

[A Persian translation of a letter written on behalf of the Universal House of Justice
dated 19 April 2013 to three individuals]

ترجمه‌ای از

نامه‌ای از طرف بیت العدل اعظم الهی خطاب به سه نفر از اجباً
(از هیئت ترجمه به زبان فارسی)

۱۹ آوریل ۲۰۱۳

ارسال از طریق ایمیل

...

دوستان عزیز روحانی،

... اظهار می‌دارید که تفاوت موجود بین رسوم اجتماع معاصر غرب در زمینه روابط جنسی با موازین تعالیم بهائی که شما آن را "هم‌ساز با مقررات اخلاقی شرق" ذکر می‌کنید، چالش قابل ملاحظه‌ای برای نسل کنونی جوانان بهائی ایجاد می‌کند. در این مورد توضیح می‌دهید که چون در طول تاریخ در جوامع اروپایی امور مربوط به روابط جنسی با شرم و بدن‌نامی فراوان توأم بوده و انرژی بسیاری صرف اختفا و سرکوبی این روابط شده است، حال خودداری از آن قبل از ازدواج به طور منفی به مثابه زهدفروشی تلقی می‌شود. اضافه می‌کنید که امروزه ازدواج تا سنین سی سالگی که جوانان تحصیلات‌شان را به اتمام رسانده و پولی برای خرید مسکن پس‌انداز نموده‌اند به تأخیر می‌افتد و چون معمولاً زن و شوهر هر دو کار می‌کنند زندگی زناشویی پیچیده‌تر از گذشته شده است و کسانی که مانند جامعه کشیشان از آرمان‌های عفت و عصمت دم می‌زنند، غالباً در دام اعمال نامشروع گرفتار می‌شوند. به علاوه بیان می‌دارید که بسیاری از جوانان بهائی درگیر تلاش برای رعایت موازین پاک‌دامنی مندرج در تعالیم هستند و ممکن است سایر جوانان به علت عدم تمایل به رعایت این اصول از پیوستن به آیین بهائی صرف نظر کنند. بیت العدل اعظم صداقت شما را در ابراز افکارتان ارج می‌نهند و نگرانی کاملاً بجایی را که از وسیع‌تر شدن شکاف بین اصولی که حضرت بهاء‌الله مقرر فرموده‌اند و رفتار رایج و مورد قبول اجتماع احساس می‌کنید تأیید می‌نمایند.

جوانان بهائی در اروپا با چالش خاصی در این مورد روبه‌رو هستند. جهان غرب با پشت‌گرمی به پیشرفت‌های مادی و فکری و جسور از روایت توفیقات و تفوق فرهنگی‌اش، به طرق مختلف خود را به عنوان سرمشق و معیاری برای دیگران ارائه می‌دهد. ولی شما در تجزیه و تحلیل قاطع حضرت عبدالبهاء در رساله مدتی

در باره نارسایی های تمدن اروپا تعمق نمایید. سپس نصایح متعدّد آن حضرت به افراد را در همان سند با دقت بسنجید که می فرمایند انسان باید "بین ملاً امکان منشأ خیری گردد" و "به اسباب آسایش و راحت و سعادت و معارف و تمدن و صنایع و عزّت و شرف و علو منزلت جمعیت بشریّه تشبّث" نماید. ملاحظه فرمایید که بهائیان به جای آنکه به خود اجازه دهند که هم رنگ فرهنگ و معیارهای اجتماع گردند باید پیشروان و پرچم داران تمدنی جدید باشند. بنا بر این برای تحقّق خواسته های حضرت بهاء الله برای عالم انسانی، مسائل مهمی که شما مطرح نموده اید باید نه فقط در بستر شرایط کنونی اجتماع بلکه در پرتو ماهیت احکام و تعالیم آن حضرت و مسئولیت هایی که بر عهده هر یک از افراد بهائی و هم چنین جامعه اسم اعظم و مؤسّسات امری گذاشته شده بررسی گردد.

ما در زمانی زندگی می کنیم که نقش دین در شکل دادن به افکار بشری و در هدایت رفتار فردی و جمعی به نحو فزاینده ای مورد بی اعتنایی قرار می گیرد و دامنه نفوذ دین سازمان یافته در اجتماعاتی که تسلیم فشارهای مادی گرایی شده اند محدودتر و اغلب به قلمرو تجارب شخصی منحصر می شود. احکام دینی غالباً قواعدی مستبدانه ای شمرده می شود که از طرف افراد فاقد تفکر مستقل کورکورانه اطاعت می شود و یا به عنوان مقررات زاهدانه و منسوخه ای به شمار می آید که توسط مدعیانی که خود آن را رعایت نمی کنند با تزویر و ریا بر دیگران تحمیل می گردد. اخلاقیات در چنین جوامعی تعریف دیگری می یابد و فرضیات، ارزش ها و رسوم مادی گرایانه مربوط به طبیعت بشر و حیات اقتصادی و اجتماعی انسان به عنوان حقیقت غیر قابل انکار جلوه می نماید.

براستی، صرف انرژی فراوان و منابع وسیع مالی برای تحریف حقیقت به منظور سازگار کردن آن با امیال شخصی اکنون از خصوصیات بسیاری از جوامع معاصر است. پیامد این کار پیدایش فرهنگی است که ماهیت و مقصد نوع انسان را واژگون و افراد را اسیر تخیلات و تصوّرات باطل نموده و به بازیچه ای در دست قدرت مندان تبدیل می نماید. در حالی که سعادت و رفاه نوع بشر منوط به مسئله ای درست برعکس آنست یعنی پرورش خصوصیات انسانی و تنظیم نظم اجتماعی در توافق با حقیقت. تعالیم الهی بر حقیقت نور می افشاند و هر نفسی را قادر می سازد تا آن را به خوبی بررسی و تحقیق نماید و از طریق انضباط شخصی صفاتی را کسب کند که وجه تمایز نوع انسان است. حضرت بهاء الله می فرمایند "طراز اول ... در معرفت انسانست به نفس خود و به آنچه سبب علو و دنو و ذلت و عزّت و ثروت و فقر است."

آن حضرت اعلام می دارند که "مقصود از هر ظهور ظهور تغییر و تبدیل است در ارکان عالم سرّاً و جهراً ظاهراً و باطناً." ظهور حضرت بهاء الله سرآغاز پیدایش نسلی از نوع انسان است که "خلقاً ما اطلع بهم احد الا نفسه المهيمن القيوم" است، نسلی که از "دنس الوهم والهوى" پاک خواهد بود و "آثار عزّ سلطانه فى الارض" را ظاهر خواهد ساخت. تعالیم حضرت بهاء الله "آنچه سبب علو و سمو و تربیت و حفظ و تهذیب اهل ارض است" را فراهم می سازد. بنا بر این در ظهور حضرت بهاء الله، الگویی برای اجتماع آینده مندمج است که با آنچه که در

گذشته تأسیس شده اساساً متفاوت بوده و ترویج احکام و نصایحش جزء لاینفکی از کوشش برای پی‌ریزی چنین اجتماعی می‌باشد.

برای حفظ سلامت جسمانی و عقلانی بدهی است که نمی‌توان قوانینی را که بر عالم مادی حکم فرماست نادیده گرفت. همان‌طور نیز همگان می‌پذیرند که برای هر ملّتی که بخواهد به نحو مطلوب به امور خود بپردازد قوانین و سنن اجتماعی خاصی وجود دارد که باید از آنها پیروی شود. به همین نحو، قوانین و اصولی وجود دارد که بر حیات روحانی ما حاکم است و برای اینکه فرد و اجتماع کلاً به نحوی سالم و هماهنگ پیشرفت نمایند توجه به آنها حائز اهمیت حیاتی است. فرد بهائی با شناسایی مظهر ظهور الهی برای عصر حاضر تصدیق می‌نماید که قوانین و نصایح نازله حقایق مربوط به ماهیت انسان و منظور از عالم هستی را بیان می‌کند، بر آگاهی و ادراک انسان می‌افزاید، معیار رفتار شخصی را بالا می‌برد و موجبات ترقی اجتماع را فراهم می‌سازد. به این ترتیب تعالیم حضرت بهاء‌الله سبب توان‌دهی نوع بشر است، منادی سعادت انسان است و بدون اصرار به اطاعت کورکورانه از مقرراتی خودکامه و مستبدانه، او را به سرمنزل آزادی حقیقی رهنمون می‌گردد. حضرت بهاء‌الله می‌فرماید "لو اتبع الناس ما نزلناه لهم من سماء الوحي ليجدن انفسهم في حرّية بحتة طوبى لمن عرف مراد الله فيما نزل من سماء مشيئة المهيمنة على العالمين." هم‌چنین می‌فرماید: "لا تحسبن انا نزلنا لكم الأحكام بل فتحنا ختم الرّحيق المختوم بأصابع القدرة والاقْتدار."

بهائیان در سراسر جهان در فرهنگ‌های متنوع، با ارزش‌ها و با روش‌هایی مواجه می‌شوند که با تعالیم امری شدیداً در تضاد است و بعضی از آنها مانند تعصب نژادی، تبعیضات جنسی، استثمار اقتصادی و فساد سیاسی در بطون ساختارهای اجتماعی نهادینه شده‌اند. برخی دیگر به رفتار شخصی مربوط می‌شوند علی‌الخصوص در مورد مصرف مشروبات الکلی و مواد مخدر، رفتار جنسی و به‌طور کلی ارضای امیال نفسانی. اگر بهائیان تسلیم آداب و رسوم اجتماع شوند این شرایط چگونه تغییر خواهد کرد؟ در پیام رضوان ۲۰۱۲ بیت العدل اعظم توضیح داده شده که "نوع بشر از فقدان الگویی از زندگی که بتواند از آن الهام بگیرد به ستوه آمده است" و ذکر شده که "یک فرد به تنهایی می‌تواند موازینی را رعایت و حمایت نماید که به مراتب بالاتر از معیارهایی است که جهان خود را با آن می‌سنجد." جوانان بهائی علی‌الخصوص باید مواظب باشند که مبادا گمان برند که می‌توانند بر طبق رویه معمول اجتماع معاصر زندگی کنند و در عین حال به خاطر آرامش وجدان خود و یا برای جلب رضایت جامعه، آرمان‌های بهائی را به حدّ اقلّ لازم رعایت نمایند زیرا به زودی خود را در تلاش برای اطاعت از حتّی ابتدایی‌ترین مبادی اخلاقی بهائی و برای مقابله با چالش‌های نسل خود ناتوان خواهند یافت. حضرت بهاء‌الله هشدار می‌دهند که "اجنحة آلوده به آب و گل قادر بر طیران نبوده و نخواهد بود." شادی درونی که هر فردی جویای آن است برخلاف احساسات و هیجانات زودگذر، مشروط به تأثیر عوامل بیرونی نیست بلکه کیفیتی است منبث از ایقان و معرفت آگاهانه ناشی از قلبی پاک که قادر است آنچه را که دائمی و جاودانی است از آنچه سطحی و زودگذر است تمییز دهد. حضرت بهاء‌الله ما را با این عبارات متذکر می‌فرماید "ارکض فی برّ العماء ثمّ اسرع فی میدان السّماء لن تجد الرّاحة الا بالخضوع لأمرنا و التّواضع لوجهنا."

پس وظیفه اطاعت از احکامی که حضرت بهاءالله برای عصری جدید آورده‌اند در مرحله اول بر عهده شخص مؤمن است. این اطاعت در کانون روابط بین حبیب و محبوب جای دارد. حضرت بهاءالله می‌فرماید "اعملوا حدودی حباً لجمالی." ولیکن آنچه در این رابطه مورد نظر می‌باشد سعی و کوشش مبتنی بر اشتیاقی صمیمانه است نه حصول کمال فوری و آنی. صفات و عادات فکری و کرداری که وجه تمایز حیات بهائی است از طریق کوشش روزمره حاصل می‌شود. حضرت بهاءالله می‌فرماید: "حاسب نفسك فی کلّ یوم" و توصیه می‌فرماید که "اجعلوا اشراقکم افضل من عشیکم و غدکم احسن من امسکم." احبّای عزیز نباید در تلاش‌ها و مساعی شخصی خود برای نیل به موازین الهی دل‌سرد گردند، و نیز نباید فریب این استدلال را بخورند که چون اشتباه اجتناب‌ناپذیر و رسیدن به کمال غیر ممکن می‌باشد، پس کوشش در این راه بیهوده است. از طرفی باید از دام ریاکاری، یعنی گفتن یک چیز و عمل به چیز دیگری بر حذر باشند و از طرف دیگر از غفلت یعنی بی‌اهمیت شمردن قوانین و نادیده گرفتن لزوم و یا بحث درباره عدم نیاز پیروی از احکام، بپرهیزند. هم‌چنین لازم است از فلج اراده ناشی از احساس گناه اجتناب کنند زیرا که نگرانی مفرط در مورد یک ضعف اخلاقی خاص برآستی می‌تواند در مواقعی غلبه بر آن را مشکل‌تر سازد.

آنچه احبّاء باید در این مورد به خاطر داشته باشند این است که آنان در مساعی خود برای نیل به رشد فردی و برای رعایت تعالیم بهائی، افراد تک‌افتاده‌ای نیستند که به تنهایی در برابر حمله نیروهای فساد اخلاقی عامل در اجتماع مقاومت می‌کنند. آنان اعضای جامعه‌ای هدف‌مند هستند، جامعه‌ای که دامنه‌اش پهنه جهان است و مأموریتی روحانی و عظیم را دنبال می‌کند یعنی کوشش برای استقرار یک الگوی عمل و ساختاری اداری که مناسب نوع بشری است که پا به عصر بلوغ خود می‌گذارد. آنچه به مجهودات جامعه شکل می‌دهد چارچوب عمل تعیین شده در نقشه‌های جهانی آیین بهائی است. این چارچوب تقلیب فردی را هم‌گام با تقلیب اجتماعی به عنوان دو فرایند جدایی‌ناپذیر ترویج می‌نماید. دوره‌های مؤسسه آموزشی اختصاصاً بدین منظور طراحی شده‌اند که فرد را در مسیری قرار دهند که در آن، خصایل و گرایش‌ها، و مهارت‌ها و توان‌مندی‌ها تدریجاً از طریق خدمت کسب می‌شوند، خدمتی به قصد غلبه بر نفس اماره، کمک به رهانیدن انسان از حدود و قیود خویش و قرار دادن او در یک فرایند پویای جامعه‌سازی.

در این بستر هر فرد خود را غرق در فضای جامعه‌ای می‌یابد که به نحوی فزاینده به منزله محیطی عمل می‌کند که موجب پرورش خصایلی است که باید زندگی بهائی را متمایز سازد، محیطی که در آن روح یگانگی به همگان زندگی و تازگی می‌بخشد. محیطی که در آن علقه دوستی و الفت افراد را به هم پیوند می‌دهد؛ محیطی که در آن اشتباهات با بردباری معامله می‌شود و ترس از شکست کاهش می‌یابد؛ محیطی که در آن از تنقید دیگران پرهیز می‌شود و غیبت و بدگویی جای خود را به تشویق و حمایت متقابل می‌سپارد؛ محیطی که در آن پیر و جوان دوش به دوش هم فعالیت می‌کنند، کلام خلاق الهی را مطالعه می‌نمایند و در مسیر خدمت‌شان یکدیگر را همراهی می‌کنند؛ محیطی که در آن کودکان از طریق فرایندی آموزشی که سعی در تقویت قوای روحانی آنان دارد و روح ایمان را در آنان می‌دمد پرورش می‌یابند؛ محیطی که در آن به جوانان کمک می‌شود تا مفاهیمی نادرست را

که اجتماع اشاعه می دهد دریابند، مشغولیت های بیهوده آن را تشخیص دهند، در برابر فشارهای آن مقاومت کنند و در عوض قوای خود را صرف بهبود آن نمایند. مؤسّسات امری به نوبه خود می کوشند تا چنین محیطی پرورش یابد. مؤسّسات نه در زندگی شخصی افراد کنجکاوی می کنند و نه با کینه توزی و تنقید مشتاق مجازات افرادی هستند که در رعایت موازین امری کوتاهی می کنند. این مؤسّسات به جز در موارد حادّ بی اعتنائی فاحش و گستاخانه به احکام الهی که احتمالاً ممکن است به امر مبارک لطمه زند و احیاناً تشکیلات را وادار به اعمال مجازات های اداری نماید، توجه شان را به تشویق، مساعدت، نصیحت و تعلیم و تربیت معطوف می دارند.

یک چنین محیطی، پویایی و تحرکی به وجود می آورد که با آنچه به خصوص در اجتماعات فردگرای امروزی یافت می شود بسیار متفاوت است. مثلاً ازدواج لازم نیست زیاد به تأخیر افتد مانند آنچه در برخی از مناطق جهان معمول است، مناطقی که در آن به اعتبار مجوزی اجتماعی برای طولانی کردن دوران نوجوانی، قبول مقتضیات و مسؤولیت های دوران بلوغ به تعویق می افتد. برای فردی که به ایجاد محیطی که جامعه بهائی است، هم کمک می کند و هم از آن نیرو می گیرد رعایت احکام بهائی کوششی است مشحون از معنا و مفهوم و گرچه این تلاش شاید در بعضی مواقع مشکل هم باشد ولی چالشی فایق نشدنی که شما از آن بیم دارید نیست. ...

با تقدیم تحیات

دارالانشاء بیت العدل اعظم

رونوشت: محفل روحانی ملی ...